

آرمان ما

ماهنامه سیاسی_اجتماعی

سال پنجم، شماره بیست و نهم، فروردین ۱۴۰۴



لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ...

محفل خردمندان!

حکایت تدبیر نغز!

اخلاق ناصری یا اخلاق سیاسی؟

درآمدی بر اندیشه‌های سیاسی
خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری

روح مشرق زمین

در رثای اولین بیدارگر مسلمانان



آدرس شبکه‌های مجازی:



@jad_lp



@jad_lp_ut



@jad_lp



@jad_lp_ut

ارتباط با روابط عمومی:



@jad_lp_r

ماهنامه سیاسی-اجتماعی آرمان ما

سال پنجم، شماره بیست و نهم، فروردین
۱۴۰۴

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان
دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران

مدیر مسئول:

محمدامین اسدالله‌پور

سر دبیر:

امیرعلی شاکری

صفحه آرا:

محمدطاها ترابی

ویراستار:

علی بیرامی

همکار این شماره:

علی امینی

سخن سردبیر:

عرض سلام و ادب خدمت خوانندگان ارجمند نشریه آرمان ما
اکنون به فصلی رسیده‌ایم که آغاز رویش طبیعت و سرسبزی است و آغاز روز نو و پایان شب زمستانی و آغاز
تپش دوباره قلب زمین، در ابتدا جا دارد به رسم ادب این فرخنده نوروز را خدمت شما عزیزان همراه تبریک
بگویم و سالی سرشار از خیر و برکت را برایتان آرزو کنم.
آغاز این فصل بهانه‌ای شد تا ما همگام با آن قدم در مسیری بگذاریم که شروع رشد و رویش ما است،
شروع گام جدید نشریه آرمان ما، شروعی که در آن قصد داریم آغازگر مسیری باشیم که روز به روز شاهد
ترقی‌های فراوان است شروعی که در آن علاوه بر نو کردن قالب نشریه قصد داریم به ترویج فرهنگ نقد
کردن پردازیم، چیزی که شاید قبل از این چندان در دانشکده حقوق و علوم سیاسی رایج نبود، از این پس
قصد داریم ستونی را برای نقد مخاطبان طراحی کنیم تا حرف‌های شمارا شنوا باشیم و هربار به انتقادات و
پیشنهادات پاسخ بدهیم و بعضی را هم نیز به چاپ برسانیم به امید آنکه با این کار توانسته باشیم ریشه‌های این
فرهنگ را در خاک این دانشکده دوانده باشیم، در آخر از همراهی یک‌ساله شما عزیزان با آرمان ما، کمال
سپاس و تقدیر و تشکر را دارم.

شب قدر و نوروز



شب قدر شب طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی برای سال بعد است، شبی است که در آن بر اساس کفر و یا شکر، به تناسب آنچه در گذشته انجام داده‌ای، به تو نعمات و امکاناتی می‌دهند. شب قدر، آدمی ثمره‌ی آنچه کرده است و طریقی که آن را برگزیده و از آن گذر کرده را گرفته و باید بر اساس آن مسیر سال آینده خود را بچیند. این شب، زمان پرداختن به سیر آینده انسان است و تقدیر آدمی در آن شکل می‌گیرد. از این روست که قرآن در این شب به طور کامل نازل شده که هدایتی باشد برای ما تا تبیین کند آنچه را که باید انجام بدهیم و مسیری را که باید طی کنیم.

همیشه نوروز و سال نو به تغییر و تحول و از نو ساخته شدن شناخته می‌شود و مردمان همگی شروع سال جدید را مناسب شروع فعالیت‌های خود و اصلاح رویه‌ی زندگی‌شان می‌دانند. نوای دلنشین «حول حالنا الی احسن الحال» به خوبی نماد این انتظار ما از پروردگار عالم است، همو که با شروع فصل بهار طبیعت را دوباره زنده می‌کند و مایی که امیدواریم که بهار قلوب ما را هم به لطف و کرمش به بهترین وجه رقم بزند. و چه حالی احسن تر از درک دوره ظهور مهدی فاطمه (عج)؟

جهان همه در بحر ظلمت، جور و فساد غرق شده و روز به روز افول اصول اخلاقی و فطری آدمیزاد بیشتر نمود پیدا می‌کند. جهانیان همه یا چشم انتظار منجی‌اند و یا دل‌زده از این متاع پست و قلیل و دربه‌در، به دنبال راه فرار از آن، و چه پایان غم‌انگیز و پرحسرتی است نصیب آنکه زندگی‌اش پر است از پوچی و دائم به رهایی فکر می‌کند.

و اما آن گروهی که چشم انتظار منجی‌اند خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. آنان که منتظر حقیقی‌اند و برای ظهورش تلاش می‌کنند و زمینه‌های ظهور را فراهم می‌کنند.
۲. و افرادی که نماد رخوت و بی‌عملی در جامعه‌اند. این‌ها منتظرند تا منجی بیاید و آنها نیز بدون هیچ کوشش و عملی در بهشت زمینی بعد ظهور پا روی پا انداخته و از محیط لذت ببرند حال آنکه نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند که بدانند که جز ذلت و خواری و سرگردانی هیچ چیز نصیب آنها نمی‌شود همانطور که قوم موسی (ع) پس از نافرمانی از موسی (ع) برای مبارزه در گرفتن سرزمین موعود جز سال‌ها سرگردانی در بیابان‌ها و خفت در تاریخ هیچ چیز نصیبشان نشد.

به راستی چه سرّی به تاریکی شب نهفته است؟! ظلمات شب چه برتری‌ای به روشنایی روز دارد که لیل القدر برتر از هزار ماه گفته شده و روز آن، چنین فضیلتی ندارد؟ چه باعث شده که تاریکی شب زمان نزول دوباره فرقان باشد و زمان مقدر شدن تقدیرات



سال بعد ما؟
«در دل تاریکی‌ها و در بطن حادثه‌هاست که تو باید طرح فردا را بریزی و در طلوع فجر، همراه فرشته‌های نازل شب قدم برداری» اشتباه‌مان این است که بی‌برنامه می‌خواهیم روزمان را شروع کنیم و انتظار هم داریم که اعمالمان ما را به نتیجه مطلوب برساند حال آنکه ما هیچ طرحی برای هدف خود نریخته‌ایم و وظایفمان را معین نکرده‌ایم.

از این روست که شب قدر، زمان نوشتن تقدیر شده و ما خود نیز طرح ریزی‌مان برای آینده را باید در آن زمان به انجام برسانیم. این هم‌زمانی شب قدر و شروع سال نو بهترین موقعیت برای تحول است، برای عملی کردن برنامه‌های داخل ذهن‌مان و به منصه ظهور رساندن آن چیزهایی که شاید سال‌ها در ذهنمان خاک می‌خوردند اما شروع‌شان را به تعویق می‌انداختیم.

شب قدر زمان پاک‌سازی دل از زنگارها است و زمان تحول درونی، و نوروز زمان شروع انجام برنامه‌ها و طرح‌ها است و تحول بیرونی و ترکیب درست این دو منجر به جهش انسان به مرحله‌ای بالاتر از زندگی‌اش می‌شود و ما را قدمی به هدف خود نزدیک‌تر می‌سازد.

«یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر الیل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا بظهور الحجة الی احسن الحال»

محمد امین علی شیروانی

شما با کاشتن نهال سود می‌برید و ضرر نمی‌کنید؛ این یک جنبه‌ی مسئله‌ی نهال کاری است

توصیه‌ی من این است که مردم عزیزمان، مسئله‌ی نهال کاری را به عنوان یک عمل صالح، به عنوان یک حسنه در نظر بگیرند و درختان را افزایش بدهند، رویدنی‌ها را افزایش بدهند و محیط را با این کار صفا ببخشند؛ علاوه بر اینکه برای خودشان هم وسیله‌ای برای استفاده‌های مادی و روحی و معنوی به وجود بیاورند. از خداوند متعال توفیق همه را مسئلت می‌کنم

مقام معظم رهبری

۱۴۰۳/۱۲/۱۵

اخلاق ناصری یا اخلاق سیاسی؟

خواجه نصیرالدین طوسی از اندیشمندان برجسته ایرانی-اسلامی به حساب می‌آید که در میانه بحران و وضعیت نابسامانی ظهور کرد که برای برون‌رفت از بحران به کوشش‌های فکری و عملی پرداخت. در مورد خواجه نصیرالدین طوسی می‌توان به این نکته اشاره نمود که دوره‌ی زندگی وی مصادف با دو واقعه مهم بوده است، نخست فروپاشی سلطنت ۱۷۰ ساله اسماعیلیان و دوم نیز فروپاشی خلافت ۵۰۰ ساله عباسیان؛ همچنین خواجه نصیر از میراث اندیشمندان بزرگ بهره گرفت و به علاوه در حوزه کنش سیاسی نیز به چهره‌ی برجسته‌ای تبدیل گشت که از این حیث برخی وی را با توماس آکویناس مقایسه کرده‌اند. یکی از مشهورترین نوشته‌های خواجه نصیر رساله اخلاق ناصری است که خواجه در سال ۶۳۳ هجری قمری کتابت آن را به پایان رسانیده و در آن به زبان فارسی و در باب حکمت عملی افاضه نظر کرده است. این کتاب را از آن حیث بایستی مورد توجه قرار داد که مطالب آن تلفیقی از دیدگاه فلسفی و علمی یونان و دیدگاه اسلامی درباره انسان، خانواده و جامعه است. بر همین اساس مساعی بر این است که در نوشتار حاضر، بتوان مختصری از نظرات و عقاید سیاسی خواجه نصیر در اخلاق ناصری را بازگو نمود. خواجه نصیرالدین اهمیت زیادی برای اجتماع قائل است و در اخلاق ناصری از کوچک‌ترین واحد یعنی اجتماع منزلی شروع می‌کند و به ترتیب به سطح اجتماع اهل محله، مدینه، امم و عالم می‌پردازد. منشاء دول از منظر خواجه نصیرالدین طوسی، از آن‌جا که همه امکانات در اختیار فرد برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی و نیل به سعادت وجود ندارد؛ دولتی مقتدر نیاز است که بتواند از اتفاق آرا در جهت بکارگیری تمام ظرفیت‌ها استفاده نماید. این امر گاهی با توافق حاصل می‌شود و گاهی با حيله و نیرنگ؛ زمانی که توافق پسندیده است دولت حق شکل می‌گیرد و زمانی که توافق ناپسند است، دولت باطل حاکم است خواجه نصیر در بحث سیاست دولت‌ها، تحت تأثیر اندیشه‌های شیعی، سیاست را به دو نوع فاضله و ناقصه تقسیم می‌کند که در نوع فاضله امامت و در نوع ناقصه، سیاست را بر مبنای تغلب در نظر می‌گیرد.

مؤلفه‌های سیاست فاضله در اندیشه خواجه نصیرالدین در بخش مؤلفه‌های سیاست فاضله خواجه نصیر معتقد است



که در این جامعه به عدالت توجه می‌شود و حاکم به مردم به مثابه دوستانش می‌نگرد؛ همچنین می‌کوشد جامعه را از خیرات عامه پر کند که در نهایت در این جامعه‌ی سرشار از خیرات افراد مالک شهوات خویش‌اند و بر طبق خیرخواهی زیست می‌کنند. مؤلفه‌های سیاست ناقصه در اندیشه خواجه نصیرالدین برخلاف جامعه‌ای که در آن سیاست فاضله به کار گرفته شده است در مدن غیر فاضله باشندگان به ظلم تمسک می‌جویند، از طرفی حاکمان به مردم به دید رعایا می‌نگرند که در نتیجه نابسامانی بین سیاست‌گذاری و سیاست‌پذیری جامعه از شرور عام پر می‌شود که در این جامعه افراد صرفاً بنده شهوات خویش‌اند و هرگونه امر حکومتی از تعادل خارج می‌گردد. خواجه در جای دیگری از اخلاق ناصری به این می‌پردازد که در سیاست به سه مسئله مهم نیاز است: اول قانون، دوم حاکمیت و سوم نیز ثروت؛ از منظر وی اگر این سه به گونه‌ای ترکیب شوند که مردم را به سمت کمال سوق دهند این سیاست سیاستی مطلوب است. در مورد اهمیت قانون در نزد خواجه می‌توان به این اشاره نمود که وی از قانون تحت عنوان ناموس نام می‌برد و در کنار اهمیت قانون‌مندی به نقش اقتصاد در رشد جامعه اشاره می‌کند، ایشان بارها به صراحت دینار را وسیله‌ی ضروری برای حکومت الهی می‌داند موضوع دیگری که خواجه بدان توجه می‌نماید سلامت جامعه است که با طرح خیرات عامه و شرور عامه به تفصیل شرح می‌گردد، خیرات عامه در نزد خواجه عبارت‌اند از: عدالت، امنیت، لطف و محبت به زیردستان و دوستی و وفای به عهد. در ادامه خواجه ضرورات عامه را به ترس، وحشت، ظلم، حرص، پیمان‌شکنی و تمسخر دیگران تبیین می‌کند ضرورت حفظ جامعه فاضله در مقابل عوامل انحرافی یکی دیگر از بحث‌هایی است که خواجه نصیرالدین بدان می‌پردازد، وی جامعه فاضله را در خطر پنج گروه برای دور شدن از فضیلت می‌داند که عبارت‌اند از: اول؛ رباکاران که با اینان مسیر ترقی و رشد جامعه ناهموار می‌گردد. گروه دوم؛ تحریف‌کنندگان می‌باشند که راستی و درستی را بد جلوه می‌دهند. گروه سوم؛ یاغیان هستند که افعال آنان مخالف افعال گروه‌های غالب جامعه است و در نامتعادل کردن و برهم‌زدن تعادل جامعه نقش اساسی دارند. گروه دیگر مارقان هستند که مباحث مطرح شده توسط این گروه ریشه در عقاید اسلامی دارد در واقع مارقین کسانی هستند که به تحریف حقیقت نمی‌پردازند بلکه اصلا حقیقت را درک ننموده‌اند.

امتداد زخم های کهنه بر پیکره ی زنان

زن در دوره پهلوی در کشاکش سنت و مدرنیته نمی توانست خود واقعی اش را که برگرفته از فطرتش بود پیدا کند. از طرفی حکومت او را به آرمان شهر غربی اش سوق می داد و در مقابل سنت چارچوبی تعریف می کرد که دلیل منطقی و شرعی برای آن وجود نداشت. در این زمان که عامل عقب ماندگی اسلام و دین گرایی عنوان می شد سخن گفتن از الگوی دینی برای زن خریداری نداشت و هر اشتباهی که در سنت بود به دین نسبت داده می شد تا جایی که کار به سخره گرفتن قواعد فقهی در فیلم های سینمایی و کتاب ها و مجالت رسید. این امر باعث شد که علمایی از جمله شهید مطهری به تبیین جایگاه زن و قواعد فقهی مربوطه بپردازند و عمده سوالات در این زمینه را پاسخ دهند. کتب نظام حقوقی زن در اسلام، مسئله حجاب، اخلاق جنسی در اسلام و غرب حاصل این پاسخگویی هاست. در دوران کشف حجاب که باعث انزوای بانوان مومنانه از صحنه اجتماع شد، بانوانی نیز به شیوه اسلام در پی رشد زنان جامعه بودند، از جمله بانو مجتهد امین که به غیر از مقام علمی که کسب کردند دغدغه تربیت و تحصیل دختران را هم داشتند و مدارس ایجاد کردند برای دخترانی که از فضای موجود در مدارس این دوره احساس رضایت مندی نمی کردند، بدون نگرانی از به خطر افتادن دین شان در این مدارس به صورت رایگان تحصیل کنند همچنین در آن به ترویج معارف دین می پرداختند. شیوه موجود در این دوره به گونه ای بود حتی زمانی که از طرفداران رژیم پهلوی از زنان موثر در آن دوره سوال می پرسیم پاسخی که می شنویم خلاصه می شود در چند خواننده و بازیگر که نقش هایشان نیز از چند داستان مبتذل فراتر نمی رود. البته از حق نگذریم در دوره پهلوی برخی از زنان درباری به شدت تاثیر گذار بوده اند؛ از جمله اشرف پهلوی و فرح دیبا (که اولی به قاچاق مواد مخدر و دومی به حمایت از هنر هنجار شکن) به خصوص در جشن هنر شیراز و حواشی اش شهرت داشتند. بخشی از شیوه های باقی مانده از دوره پهلوی باعث شده که الگوی زن اسلامی نتواند در جامعه ما راه خود را باز کند از جمله مصرف گرایی که نظام سرمایه داری به هر شیوه ممکن سعی در ترویج آن دارد؛ چه در جامعه مذهبی با پدیده ای به نام حجاب استایل، چه در جامعه غیر مذهبی با عوامل دیگر. مشغول کردن بانوان با مسائلی از جمله کشف حجاب، حق ورود به ورزشگاه و... راهی بود که او را از الگوی حقیقی اش دور کند و همچنین حقوق مسلمش که باید مطالبه می کرد را از جمله میزان مشارکت و تاثیر گذاری در امور سیاسی و اجتماعی را به دست فراموشی بسپارد. و پیشرفت هایی از جمله افزایش میزان حضور دختران در دانشگاه ها که از آمار پسران پیشی گرفته است یا بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی و افزایش امید به زندگی که در هیچ دوره ای به این حد نرسیده بود، نادیده بگیرید و احساس عقب ماندگی کاذبی داشته باشد که مانع رشد شود.

گروه آخر نیز مغالطان هستند که به حقایق واقف نیستند و برای طلب کرامت به جهل خودشان واقف نیستند در مورد منابع مورد نیاز برای امر سیاست گذاری خواجه پا را فراتر از باورهای مذهبی خشک زمان حیات خویش می گذارد و با در نظر گرفتن امر ذاتی حقیقت و امر عرفی شهرت در صدد این است که تا حد زیادی سیاست گذاری را متناسب با عرف جامعه پیگیری نماید؛ وی اهمیت و دلیل این کار را منطبق شدن امر سیاست گذاری با نفوس مردم می داند که سبب ایجاد تعادل و برقراری توازن در جامعه می شود شریعت و سیاست دخالت شریعت در امر سیاست گذاری یکی از منابع قوی و مستدل خواجه در رساله اخلاق است. خواجه نصیرالدین محدودیت حاکم به وسیله ی شریعت را مجاز می داند و معتقد است که این شرط در جهت کاهش ظلم به مردمان عادی و فرودستان به کار رفته می شود. در واقع خواجه با متمایز کردن بین شر از دیدگاه شریعت مکتوب و غیر مکتوب (یعنی شری که موجب ظلم به مدینه و شری که موجب ظلم به فرد می شود) در بحث عدالت دست به ابتکار می زند.

در واقع خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است که حاکم باید موجبات رفتن به سمت خیرات و دور شدن عامه از بدی ها و شرایر را فراهم نماید تا استعداد های افراد به خوبی شکوفا شود. مشارکت سیاسی یکی دیگر از مسائلی است که خواجه در اساس الاقتباس بدان می پردازد، وی در کنار برشمردن انواع سیاست از جمله سیاست وحدانی (استبدادی)، تغلبی و کرامت؛ سیاست کرامت را سیاستی می داند که بر خلاف دو گونه ی قبلی؛ هدف آن نه پیروگری بر عوام بلکه مشارکت و سهیم کردن عوام در قدرت، همچنین در کتاب اخلاق ناصری خواجه وظایف حاکم را عدالت، احسان و التزام به قوانین می داند. عدالت به معنای برابری است، به گونه ای که ارکان چهارگانه شامل؛ اهل قلم، اهل شمشیر، اهل معامله و اهل مزارعه هیچ کدام بر دیگری برتری نداشته باشند. در نزد خواجه احسان بعد از عدالت مهم ترین اصل از وظایف کلی حاکم است؛ بدین معنی که حاکم باید علاوه بر سعی در جهت برقراری عدالت در جهت پاداش رساندن به دیگران نیز کوشا باشد. در بحث التزام به قوانین نیز همان گونه که قوام بدن به طبیعت و طبیعت به نفس و نفس به عقل است در عالم سیاست نیز قوام و ثبات کشور به حاکم، حاکم به سیاست و سیاست به حکمت است، که این حکمت به وسیله قانون تأمین می شود. نتیجه گیری؛ عمده مباحث مطرح شده توسط خواجه نصیر الدین طوسی در حوزه اندیشه سیاسی جای می گیرند، به عبارتی خواجه نصیرالدین به واسطه الزامات و جبر زیستی با هنرمندی تمام مسائل نظری را در حوزه ی عمل به کار می بندد. با تامل در آثار خواجه می توان گفت که وی در خصوص رابطه اخلاق و سیاست مشربی ارسطویی داشته و اخلاق را که عمل سیاسی نیز جزئی از آن است ناشی از عادت، قابل تغییر و انعطاف پذیر تلقی میکند. بر این اساس به عقیده وی عمل سیاسی به مثابه فعل اخلاقی است و نظام سیاسی اسلام کارویژه های جز تأمین و توسعه فضیلت در جامعه ندارد به همین منظور ارتباط معناداری بین این دو مقوله برقرار است و اخلاق به عنوان مقدمه ورود به عرصه سیاست ضروری می باشد و در نتیجه نظریه تقدم اخلاق بر سیاست تکوین می یابد.

عباس عرب خالقی

مریم السادات هاشمی

محفل خردمندان!

بشنوید ای دوستان این داستان
خود حقیقت، نقد حال ماست

چو ایام آزمون‌های دروس بگذشت و نتایج آمد، زمان انتخاب دروس برای مطالعه در نوبت جدید فرا رسید. ایامی سخت که محصلان، از برای انتخاب معلمان و اوقات صالح‌تر، چونان لشکر یاجوج و ماجوج هجوم می‌آورند، چه آنکه انتخابی اشتباه، به قیمت‌هایی گزاف محاسبه شده و بر دوش محصلان سنگینی می‌کند، تدبیر قبل از عمل است که سعادت را رقم می‌زند، آری تدبیر، گمشده تمام ما در این مُلک می‌باشد و از برای عدم دقت و حکمت، حال و روز ما چنین می‌باشد! صحبت از تدبیر شد و کوتاهی است که یادی از سلاطین مدبّر در مدرسه حقوق و علوم سیاسی نشود! باری به هر جهت حکایتی در نظرم است که روایتی است عجیب از تدبیرات در مدرسه ما، انجمن معلمان علوم سیاسی و مدبّران امور آموزش که از پی کمک هم، برنامه نوبت آموزشی را می‌نویسند و دروس و معلمان را تنظیم می‌کنند.

اعضای محفل که مشکلات بسیار محصلان را در انتخاب معلم و عدم ثبات برنامه و حتی کلافگی خود معلمان را می‌دیدند، بر آن شدند تا کاستی‌ها را بشناسند و دلیل این همه عدم هماهنگی و تغییرات بسیار بیش از حد برنامه آموزشی را درک کنند، چه آنکه محصلان وقتی سر کلاس می‌روند، ممکن است اصلاً ندانند معلم کیست! یا وقتی در روزی خاص به کلاس مراجعه می‌کنند متوجه تغییر ساعت و روز کلاس می‌شوند، یا بسیار اتفاق افتاده که بدون هماهنگی با معلمی به وی درسی را برای تدریس بدانند که حتی خود وی در شگفت افتاده، بسیار هم بوده که معلمی را خارج از انجمن معلمان علوم سیاسی برای تدریس دعوت کرده‌اند که ایشان، صرفاً از این وظیفه اطلاع داشته و دیگر هیچ هماهنگی با وی نشده، بلکه بعد از گذشت دوهفته از شروع کلاس‌ها تازه با پیگیری محصلان ساعت و روز کلاس را به وی اطلاع داده‌اند! اعضای محفل در جلسات بسیار خردمندانانه خود عدم تعادل امور مختلف را دلیل این مشکلات دانسته، و بر آن شدند تا راه حلی بیابند، پس در پی گفت‌وگو به نزد مسئولان مدرسه برفتند.

خوب است در ابتدا این نکته را گوشزد کنم که حل مشکلات

تحصیلی چونان گذراندن هفت‌خان رستم می‌باشد، چه آنکه صحبت با دیو سپید بسی راحت‌تر است.

مباحثه اعضا با مدبران مدرسه بسیار جالب توجه است، چه آنچه خود آینه تمام‌نمای سوءمدیریت‌ها در مملکت ما است، باری به هر جهت اعضا که این مصائب را برمی‌شمردند جوابی می‌گرفتند بس عجیب که آنان را از ادامه صحبت منصرف می‌نمود، چه استدلال‌هایی که بیان می‌شد دلیل موجهی شمرده نمی‌شد و صرفاً از موضع زور و قدرت بیان می‌شد. صحبت‌ها ادامه یافت و اعضا، بحث را به یکی از دروس خود تغییر دادند، زیرا درسی که در روز دوشنبه برداشته بودند، تدریس آن، توسط استاد به روز چهارشنبه موکول شده بود و آنها در آن ساعت کلاس دیگری داشته، در نتیجه به تداخل خورده بود، چو این مبحث را گفتند پاسخی شنیدند که چرا در موسم حذف و اضافه کلاس را تغییر ن داده‌اند، اعضا نیز پاسخ بداد که معلم، تازه بعد از پنج هفته در کلاس حضور یافته و این زمان، بعد از مدت تغییرات بوده، در نتیجه توان این کار را نداشته‌اند، خلاصه امر حرف‌های بسیاری رد و بدل شد و هر بار، هیچکس مسئولیت امر را قبول نمی‌کرد، من در این مباحثه به فکر فرو رفتم، اینکه چرا این وضع برنامه‌ریزی در این مدرسه مهم است؟ به راستی چه بر سر ما می‌آید وقتی نبوغ و خلاقیتی که باید در این مدرسه و تمام مدارس، از برای رشد و تعالی مملکت استفاده شود جایی در این مکان ندارد، از مدبر و معلم و محصل، هیچکس آنطور که باید نیست و حاصل این امر، بی‌روح بودن مدرسه است، چونان که این نهاد مهم دانش، به مثابه یک پیکر بی‌جان می‌ماند که حتی توان تدبیر خود را ندارد، چه رسد که تدبیر مُلک کند!

در همین اوضاع من با شنیدن ناله‌ای به خود آمدم، اعضای محفل بودند، نمی‌دانم در هنگامی که من در تفکر بودم چه شد که اعضا، همان عادت قدیمی به سراغشان آمد، آنها به یکباره فریادی برآوردند، جامعه دریده و به سوی بوستان لاله گریختند، در اندک زمانی من دچار وحشت شدم، چرا که اعضا در حراست تعهد داده بودند که دیگر اعمال خلاف عفت انجام ندهند، در همین حین که نگاهم به مسئولین امر آموزش افتاد که از خشم سرخ شده بودند، اعضا در راهروی خروجی مدرسه مشغول دویدن بودند، سریع دست به کار شدم تا آنان را باز دارم، پس من نیز به دنبال آنان روانه گشته، و موفق شدم با اشاره به کسانی که در جلوی درب بودند، راه آنان را سد کنم.

خلاصه امر، داستان و حکایت مدبران این مُلک، بس شنیدنی و محل عبرت است، چه آن که مملکت که ما همه چیز دارد، اما مدبّر ندارد، در جای جای این مدرسه و مُلک اثر عدم هماهنگی به چشم می‌آید، کو اینکه هرکسی کار خود را می‌کند، و آنچه که هست، عدم اهتمام است به خرد جمعی، که از رموز موفقیت است.

محمدطاها ترابی

محفل خردمندان!

مدرسه حقوق و علوم سیاسی

روح مشرق زمین

قرن ۱۹ میلادی برای ملل مسلمان، قرن اولین برخوردها با تمدن غرب بود.

جنگ امپراتوری روسیه با ایران قاجار (منجر به عهدنامه گلستان و ترکمانچای و جداسازی مناطق شمالی ایران)، جنگ امپراتوری بریتانیا با ایران قاجار (منجر به عهدنامه پاریس و جداسازی مناطق شرقی ایران)، جنگ امپراتوری روسیه با امپراتوری عثمانی (منجر به پیمان سن استفانو و برلین، جداسازی اراضی اروپایی امپراتوری عثمانی) و... اولین آشنایی‌های مملکت‌های مسلمان را با غرب مدرن رقم زد.

این آشنایی در طی جنگ‌ها، مشابه آشنایی اروپایی‌ها با تمدن اسلامی طی سلسله جنگ‌های صلیبی قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی بود و همان را تداعی می‌کرد.

زمانی که اروپای تاریک، شیرینی عقل و علم مسلمانان را مزه‌مزه کرد و مسیر دیگری را انتخاب کرد!

در قرن ۱۹، زمانی که آباء ما در پی یافتن علفی از روی زمین برای در امان ماندن از وبا و گرسنگی بودند، صنعت فولاد برای اولین بار در ینگه دنیا (ایالات متحده) رو به افزایش تولید صنعتی آورد، داروین نظریات زیست‌شناسانه‌اش را شرح می‌داد، خط آهن سراسری ایالات متحده تکمیل گشت، کانال سوئز به بهره‌برداری رسید و انقلاب فناوری (انقلاب صنعتی دوم) توانست فرآیندهای کند پیشرفت علمی را تسریع کند!

در این بین، در ممالک اسلامی، عباس میرزا، امیر کبیر، میرزای شیرازی، هر کدام اقداماتی برای بیدارگری مسلمانان که به خواب عمیق جهل رفته بودند، انجام دادند.

در سال ۱۸۳۹، مردی از توابع همدان پا بر عرصه گیتی گذاشت که بعدها امپراتوری‌ها نقشه تبعید یا قتل او را می‌کشیدند!

مردی از سلاله نبوی که حیاتش مملو بود از سفر و جهاد!

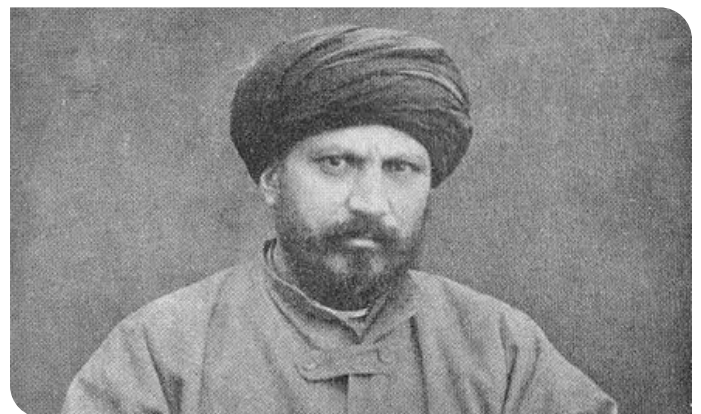
او را می‌توان روح مشرق زمین یا مدافع امت اسلامی نام نهاد!

در حوزه علمیه نجف، درس عربی خواند و فقه و فلسفه...!

در افغانستان، جنگ هرات را حل و فصل کرد و سعی داشت تا قوای ایران و افغان را از خاطر دشمن مشترک (بریتانیا) بر حذر بدارد.

در الأزهر مصر، فلسفه تدریس می‌کرد، کلاسی که شیخ عبده و فضلا را به تلمذ می‌کشانید!

همین کلاس درس در ادامه حزب الوطنی مصر را تشکیل داد و هسته‌های اولیه انقلاب را سامان داد.



بعدها انگلیسی‌ها خواستار اخراج او و همفکرانش از مصر گشتند زیرا او و یارانش با روشنگری توانستند ۳۵ درصد از حجم صادرات کالاهای استعماری و استعماری انگلیس به مصر را بکاهند!

سالهای بعد به عنوان نماینده شیخ اعظم انصاری به دیار هند شتافت تا استعمار بریتانیا را از نزدیک ببیند و صفوف مقابله با آن را تشکیل دهد.

تحولات هند او را از ادامه سکونت بازداشت و او راهی لندن و پاریس شد و در آنجا برای خود آگاهی مسلمانان نشریه عروة الوثقی را چاپ کرد که پس از هیجده شماره توسط استعمار، توقیف شد. به ایران آمد و خطرات نفوذ و بی‌قانونی را گوشزد کرد؛ که مورد تقدیر ناصرالدین شاه نیامد و حکم به اخراج او داد.

در مسکو و فضای مجلات روسی، علیه بریتانیا افشاگری می‌کرد و پس از آن که دوباره راهی ایران شد و مدام خدمت علما، نخبگان و درباریان نامه می‌نوشت و از بازگو کردن خطرات تفرقه، جهل و استعمار، باکی نداشت!

با نهضت تنباکو همراهی کرد و از علما خواست تا حکومت ناصری را پس بزنند و ولایت فقها را به پشتوانه اجتماعی برقرار سازند! او دوباره از این مرز و بوم اخراج گشت و این بار پس از توقیف کوتاه در عتبات، راهی اروپا شد.

در استانبول، مورد احترام سلطان عبدالحمید دوم واقع شد و توانست از این جایگاه برای نشر افکارش استفاده کند.

مطهری ما فرمود: «بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صد ساله اخیر، سید جمال‌الدین اسدآبادی است. او بود که بیدارسازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع‌بینی خاصی بازگو نمود، راه اصلاح و چاره‌جویی را نشان داد... نهضت سید جمال، هم فکری بود و هم اجتماعی... سید جمال در نتیجه تحرک و پویایی، هم زمان و جهان خود را شناخت و هم به دردهای کشورهای اسلامی که داعیه علاج آنها را داشت، دقیقاً آشنا شد. سید جمال مهم‌ترین و مزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد. آخر کار هم جان خود را در همین راه از دست داد!»

علیرضا دامغانی

«مسلمانان عالم در طول قرن‌های
متمادی و بخصوص متفکرین بزرگ در
قرن اخیر -از سید جمال اسدآبادی
تا اقبال لاهوری، تا بزرگان فکر و
اندیشه، تا علمای بزرگی در داخل
کشور خود ما- دنبال آن بوده‌اند
که دین خدا را حاکم کنند و این
ادامه راه پیغمبران بوده است.»

مقام معظم رهبری
در دیدار جمعی از روحانیون
۰۲/۰۲/۱۳۷۷

مذاکره با آمریکا، آنچه که عیان است

دیپلماسی، کلمه‌ای که نظام آوایی زیبایی دارد و تقریباً سیاست‌مداری نیست که این کلمه را در بر گه سخنرانی خود نگنجاند. این کلمه در کنار مذاکره معنا پیدا می‌کند و در شخصیت خاص دیپلمات ظاهر می‌شود. به عبارتی دیگر دیپلماسی یعنی در پی منفعت یک کشور بودن از طریق مذاکره و گفتگو در سایه احترام متقابل. این کُت و شلوارهای اُتو کشیده، کفش‌های چرم برّاق، و زبان بدن منحصر به فرد نه‌تها در یک صورت به حساب می‌آیند و شایستگی دیپلمات را در به نمایش گذاشتن نمایندگی میلیون‌ها نفر در عرصه بین‌المللی نشان می‌دهد، و آن محترم شمرده شدن است. این امر تا کنون به مثابه یک قاعده‌ی کلی در روابط بین‌الملل پذیرفته شده و معمولاً در فرایندهای مذاکراتی آن را سرلوحه‌ی کار خود قرار می‌دهند. اما در این جهان وارونه همه‌چیز با آنچه در ظاهر قضیه نشان داده می‌شود متفاوت است، قُلدرها تعیین کننده هستند و ضعیفان فرمان‌پذیر، ظالمان محترم هستند و مظلومان حق ندارند از هیچ احترامی برخوردار باشند. تلخ است پذیرش این واقعیت‌ها، اما کُت و شلوارها و کفش‌های برّاقی که با لبخند جلوی دوربین ظاهر می‌شوند، در واقع سربازان جنگی خونخواری هستند که بیش از آن که به روابط بین‌الملل متعهد باشند، به قوانین جنگل وفادار هستند. در جهانی به سر می‌بریم که تنها معیار احترام، میزان قدرت است، به هر اندازه که واکنش خشمگینانه یک ملت، طیف وسیعی از یک جغرافیای سیاسی را شامل شود، فرش قرمز طولی‌تری را برای نماینده آن در هنگام ورود به تالار مذاکره پهن می‌کنند. این قاعده به حساب آمدن و شنیده شدن است، در واقع برگ‌برنده‌ای است برای نشستن دور میزی که قدرت‌های دیگر برای امتیاز گرفتن و تأمین منافع خود، تصمیم می‌گیرند به جای سلاح و آتش از کروات و ادکلن‌های چند صد دلاری بهره بگیرند. بنابراین ما هم قدرت را شناختیم، ملتی با اقتدار که هویتی مستقل از آنچه که دیگر ملت‌ها مجبور به پذیرش آن بودند داشتند. بر همین مبنا پیش رفتیم، حتی آنجا که ما را محترم نشمردند، ما با احترام وارد شدیم و با احترام برخورد کردیم، با امید دور میز نشستیم تا فقط گزینه‌ای روی میز نباشیم، تا ما را به حساب بیاورند. با میراثی خونین و مملو از عشق و فداکاری دیپلمات‌هایی با کُت و شلوار اُتو کشیده و کفش‌های چرمی و عینک‌های آفتابی را راهی وین و ژنو و نیویورک کردیم تا به نمایندگی از این ملت، از شرافت



این کشور دفاع کنند و میان بحث و جدل‌های تلخ سیاسی، آن حلوای تن‌تنائی‌ای که بعد از سال‌ها چشم به دستان غرب دوختن منتظرش بودند را به ارمغان بیاورند. اما نتیجه مورد عنایت نبود که هیچ، بلکه زیاده‌خواهی دشمن تا آنجا رسید که عملاً چنین ملت شریفی را تروریست خطاب کرد و این قطعا از بین بردن اصل احترام در مذاکره است، این بی معنا کردن دیپلماسی است و این اگر اعلان جنگ و تنفر از یک ملت نباشد، حتما حقیر شمردن چنین مردمی است که به دیپلماسی روی آوردند تا مشکلات‌شان را متمدانه حل و فصل کنند. رهبر فرزانه‌ای که جلویه دار حرکت این ملت است تجربه را معیار عدم مذاکره دوباره قرار داده‌اند، تجربه‌ای نه چهل ساله، بلکه به درازای تاریخ معاصر ایران. شنیده‌اید که می‌گویند تجربه بالاتر از علم است؟ دیده‌اید که نوشته‌اند مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود؟ پس چرا باز راهی را برویم که پایانش مشخص است؟ مگر نه اینکه پشت این توهّم بس شیرین واقعیتی بس دهشتناک وجود دارد. معظم له در دیدارهای حسینی شان بارها و بارها چون پدری مهربان و به تکرار مکررات نصیحت‌های خود را به زبانی شیوا و نورانی در این مورد فرموده‌اند؛ «مذاکره با آمریکا هیچ تاثیری در رفع مشکلات کشور ندارد، دلیل، تجربه، مذاکراتی که در دهه نود به مدت دوسال انجام شد. «این را که با چشم و گوش خود دیده و شنیده‌ایم، اما باز تیرهایی مانند تقابل دیپلماسی و میدان، تقابل نظامی و دیپلمات و باز لجاجت‌های بی‌منطق از مُد افتاده‌ای را می‌بینیم که از خود اظهارکاری دست بر نمی‌دارند، هر چند، آنچه که عیان است، چه حاجت به بیان است.

محمدامین کریمی

نفس بگیر و بگو دم به دم علی مددی
برای چاره هر هم و غم علی مددی

بگیر دست به زانو و عزم حرکت کن
به اذن و برکت او هر قدم علی مددی

زمانه بر سر جنگ است و با علی قطعاً
غروب می‌کند آری ستم علی مددی

و هر کجا که غریبی ز ظلم می‌نالد
علم شده است همین پرچم علی مددی

رسیده جان به لب و چاره چیست جز حیدر
که هست چاره ما لاجرم علی مددی

ز خاک خود گل ما را سرشت شاه نجف
چنین رسیده وجود از عدم علی مددی

| وَاِلَهِ | (علی طهرانی)

اسلامی است، چه آن که آثار ایشان، با توجه با سادگی و عوام‌پسند بودن آن، می‌تواند دروازه ورود به مطالعات عمیق اسلامی باشد. مطالعه این کتاب می‌تواند چشم‌اندازی مناسب از ایده‌های انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی به خواننده بدهد و برای پژوهشگران و علاقه‌مندان، دریچه‌ای بی‌بدیل و دسته اول، از این پدیده اجتماعی مهم در تاریخ معاصر ایران باشد.



برای شناخت یک پدیده اجتماعی، بهترین راه، شناخت عوامل فکری آن پدیده است، یعنی مطالعه افکار اندیشمندانی که آن حرکت را رقم زدند. آیت‌الله مطهری، بی‌شک از بزرگترین اندیشمندان و نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی بود، چه آنکه آثار وی نقش مهمی در پشتیبانی فکری از انقلاب اسلامی داشت و بعد از پیروزی آن، همچنان نقش مهمی در گسترش افکار و ایده‌های نظام اسلامی دارد؛ «آثار استاد شهید مطهری، مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی ایران است. دیگران به مقدمات این انقلاب خیلی کمک کردند، ولی افکار آن‌ها در ساخت نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش آن‌چنانی نداشته است. [...] اگر ما بخواهیم این نظام در ذهن مردم عمق پیدا کند و حرکات انقلابی این مردم همچنان ادامه یابد، بایستی افکار استاد شهید مطهری در میان مردم رواج یابد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ استاد در کلام رهبر؛ گردآوری از مجتبی پیرهادی؛ تهران: صدرا، ۱۳۹۰، ص ۲۴.

از مهم‌ترین آثاری که مربوط به نظرات ایشان درباره جمهوری اسلامی است، بی‌شک کتاب «آینده انقلاب اسلامی ایران» است، ایشان فرصت کوتاهی بعد از پیروزی انقلاب زنده بودند و انقلاب، فرصت استفاده مناسب از فکر ایشان را نداشت، اما در همین فرصت کم ایشان سخنرانی‌های بسیاری داشتند که مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی را تبیین می‌کند، همچنین آثاری که قبل از پیروزی انقلاب به وجود آمده اما مربوط به افکاری بوده که در انقلاب اسلامی ظهور یافته، همه اینها در این کتاب، به صورت کاملاً مناسب و دقیق دسته‌بندی و در شش بخش:

اهداف روحانیت در مبارزات، مفهوم آزادی عقیده، تحلیل انقلاب ایران، آینده انقلاب اسلامی ایران، درباره جمهوری اسلامی و ضمیمه «آزادی عقیده» تنظیم و چاپ شده است.

اهمیت دیگر مطالعه این کتاب، مانند بسیاری از آثار دیگر ایشان، در آشنایی با افکار و عقاید

مسابقه کتابخوانی فانوس



لینک ثبت‌نام در مسابقه کتابخوانی فانوس



ریشه های فساد مالی در ایران و راهکارهای مقابله با آن

فساد مالی پدیده‌ای پیچیده و چند وجهی می‌باشد که ریشه در سازوکارهای مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی دارد و پدیده‌ای ضدتوسعه، دارای ماهیت چندبخشی و فرابخشی با زوایا و علل متعدد و متکثر است. از منظر سیاست‌گذاری عمومی نیز می‌توان فساد در حوزه عمومی را پیامد حکمرانی بد و ناسالم دانست. با توجه به چنین امری می‌توان گفت فساد مالی یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی است که تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه پایدار، سرمایه اجتماعی در ایران و بهره‌وری اقتصادی دارد. این معضل ریشه‌های عمیقی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نهادی دارد. شناخت این ریشه‌ها و ارائه راهکارهای عملی، می‌تواند به کاهش فساد و بهبود حکمرانی کمک کند. بر این اساس بطور خلاصه می‌توان ریشه‌های این امر را در عوامل و مولفه‌های ذیل جستجو نمود:

۱. عوامل ساختاری

تمرکزگرایی بیش از حد در تصمیم‌گیری‌ها، تنظیم‌گری و سایر شیوه‌های مداخله دولت از جمله تصدی‌گری و نیز تمرکز قدرت و منابع مالی در دولت، نظارت‌پذیری را کاهش داده و فساد را تسهیل می‌کند. در چنین سیستمی، نبود شفافیت در تخصیص منابع و اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی باعث سوءاستفاده از قدرت می‌شود.

بروکراسی پیچیده و ساختار اداری ناکارآمد ساختار اداری پیچیده و فرایندهای طولانی، فرصت سوء استفاده از موقعیت‌های شغلی را فراهم می‌کند.

۲. عوامل نهادی و قانونی

(ضعف در نظارت و حسابرسی)

نهادهای نظارتی در ایران یا از استقلال کافی برخوردار نیستند یا ابزارهای اجرایی لازم را ندارند. در برخی موارد، این نهادها تحت تأثیر نفوذهای سیاسی قرار می‌گیرند که موجب ناکارآمدی در برخورد با فساد می‌شود.

نفوذ نهادهای غیررسمی در تصمیم‌گیری‌ها و تغلب جریان‌های زمینه‌ای نظیر جریان منافع گروه‌های ذی‌نفوذ که بدون شفافیت در تصمیمات کلان اقتصادی و سیاسی نقش دارند، مسیرهای قانونی را دور زده و به گسترش فساد کمک می‌کنند.

۳. عوامل اقتصادی

(اقتصاد رانتی و وابستگی به منابع طبیعی)

اقتصاد ایران وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد که این امر موجب توزیع غیر شفاف رانت‌های اقتصادی شده و فساد را تقویت می‌کند.

دولتی بودن بخش زیادی از اقتصاد

کنترل گسترده دولت بر اقتصاد، موجب عدم رقابت واقعی در بازار شده و زمینه‌ساز شکل‌گیری فساد در قراردادهای مناقصات و توزیع اعتبارات مالی می‌شود. از سوی دیگر وجود اعمال محدودیت‌های تجاری، تعرفه‌ای، سهمیه‌بندی‌ها و... از عواملی است که حوزه اقدام دولت را گسترده کرده و موجب تشدید بسترهای فساد می‌گردد.

ضعف در تأمین مالی سالم و شفاف سیستم بانکی ایران به دلیل نظارت ناکافی، تسهیلات دهی غیرشفاف و وام‌های کلان بدون وثایق معتبر، بستری برای فساد مالی در سطح کلان شده است.

۴. عوامل فرهنگی و اجتماعی

(تساهل نسبت به فساد در جامعه)

در برخی موارد، فساد به عنوان یک روش رایج برای پیشبرد امور تلقی می‌شود. این نگرش باعث کاهش حساسیت اجتماعی نسبت به تخلفات مالی می‌شود.

ضعف در شفافیت اطلاعات و رسانه‌های مستقل رسانه‌ها و خبرنگاران نقشی کلیدی در افشای فساد دارند، اما محدودیت‌های موجود در دسترسی به اطلاعات و فشارهای سیاسی، مانع از تحقیق و گزارش دهی مؤثر در مورد فساد می‌شود.

عدم پاسخگویی و فرهنگ سازمانی ناسالم

در بسیاری از سازمان‌ها، افراد بدون پاسخ‌گویی درباره عملکردشان از مسئولیت‌هایشان کنار می‌روند یا حتی به سمت‌های بالاتر منصوب می‌شوند. این امر باعث تقویت چرخه فساد می‌شود. چنین عواملی علاوه بر اینکه موجب تنزیل اعتماد عمومی و کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه می‌گردد، بطور همزمان منجر به کاهش رشد اقتصادی افزایش نابرابری در درآمد و می‌گردد به نحوی که پژوهش‌ها نشان از ارتباط مستقیم شاخص فساد با شاخص فقر در جامعه دارد. بر این اساس ضمن ضرورت توجه به سیاست‌گذاری علمی به جای بیان کلیات و آمال و جایگزین نمودن سیاست‌های مقطعی با اقدامات می‌توان بطور خلاصه راهکارهای مقابله با فساد مالی در ایران را چنین برشمرد؛

۱. افزایش شفافیت و ایجاد دولت الکترونیک و دسترسی آزاد به اطلاعات

دیجیتالی‌سازی فرایندهای دولتی

تقویت سامانه‌های شفافیت مالی و نظارت بر معاملات دولتی.

۲. اصلاح نظام اقتصادی و کاهش رانت

حرکت به سمت اقتصاد رقابتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی خصوصی سازی واقعی و کاهش کنترل دولت بر اقتصاد تقویت بخش خصوصی سالم و جلوگیری از توزیع رانت در این حوزه

۳. تقویت نهادهای نظارتی مستقل و توسعه حوزه عمومی ایجاد نهادهای نظارتی با استقلال کامل از قدرت سیاسی تقویت سازمان‌های مردم نهاد و رسانه‌ها.

۴. اجرای قاطعانه قوانین ضدفساد،

اصلاح قوانین مربوط به جرائم اقتصادی و افزایش بازدارندگی مجازات‌ها و حذف

قوانین متضاد و متراحم،

برخورد قاطع و بدون تبعیض با مفسدان اقتصادی، بدون در نظر گرفتن جایگاه سیاسی آنها

۵. ترویج فرهنگ ضدفساد، ارتقای اخلاق حرفه‌ای، تقویت آموزش عمومی آموزش اصول شفافیت، مسئولیت‌پذیری در سازمان‌ها،

افزایش آگاهی عمومی درباره ریشه‌ها، زمینه‌ها و پیامدها.

**دکتر مهدی داوودی، عضو هیئت علمی
علوم سیاسی دانشگاه تهران**



عدالت آموزشی یکی از اصول اساسی در هر نظام آموزشی است که به دنبال فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان، بدون توجه به پیشینه اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی آنها می‌باشد. در ایران با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای تحقق این اصل هنوز چالش‌های زیادی وجود دارد که مانع از دستیابی به عدالت آموزشی می‌شود. نابرابری‌های آموزشی، کمبود منابع، عدم دسترسی به معلمان باتجربه و امکانات آموزشی مناسب از جمله مشکلاتی هستند که دانش‌آموزان در مناطق مختلف کشور با آنها مواجه هستند. کنکور سراسری به عنوان یکی از مهم‌ترین آزمون‌ها در نظام آموزشی ایران، نقش بسزایی در تعیین سرنوشت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دارد اما این آزمون به دلیل ناعدالتی‌های آموزشی به ویژه در زمینه بومی گزینی می‌تواند به نابرابری‌های بیشتری منجر بشود. بومی گزینی به معنای توجه به نیازها و ویژگی‌های خاص هر منطقه در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی است. این رویکرد می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و افزایش انگیزه دانش‌آموزان کمک کند اما در عمل بومی گزینی در کنکور با چالش‌هایی مواجه است.

بومی گزینی در پذیرش کنکور از همه مهم‌تر باعث تضعیف هویت ملی و یکپارچگی اجتماعی می‌شود. بومی گزینی شانس قبولی مناطق برخوردار و مراکز استان‌ها را نسبت به مناطق محروم افزایش می‌دهد. فی الواقع این قانون امتیازی بر داوطلبان مناطق برخوردار محسوب می‌شود. بومی گزینی موجب می‌شود نخبگان مناطق محروم از تحصیل در دانشگاه‌های معتبر باز بمانند و ظرفیت‌های علمی آنها هدر برود و این یکی از دلایل مهاجرت نخبگان کشورمان است. برای دانشگاه‌های سطح یک کشور همه باید شانس قبولی یکسان داشته باشند. ما می‌توانیم دانشگاه‌های سطح یک کشور را از قانون بومی گزینی مستثنی کنیم و پذیرش کشوری داشته باشیم. در نهایت برای بهبود بومی گزینی در پذیرش کنکور نیاز به طراحی سیاست‌هایی هست که به واقعیت‌های آموزشی و نیازهای دانش‌آموزان توجه بکند و به جای ایجاد نابرابری‌های جدید به تحقق عدالت آموزشی کمک بکند.

بومی گزینی می‌تواند ناعدالتی‌هایی را به همراه داشته باشد. برای حل این مشکل، می‌توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:

۱. توزیع عادلانه منابع آموزشی: سرمایه‌گذاری در مناطق محروم برای بهبود زیرساخت‌های آموزشی و فراهم کردن امکانات بهتر.
۲. تخصیص سهمیه‌های ویژه: ایجاد سهمیه‌های خاص برای دانش‌آموزان مناطق محروم در کنکور، به‌طوری که شانس بیشتری برای پذیرش داشته باشند.
۳. برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان: ارائه دوره‌های آموزشی و مشاوره‌ای رایگان برای دانش‌آموزان مناطق محروم به منظور تقویت مهارت‌های علمی و آمادگی برای کنکور.
۴. توسعه برنامه‌های جبرانی: طراحی برنامه‌های جبرانی برای دانش‌آموزانی که به دلیل شرایط اقتصادی یا اجتماعی نتوانسته‌اند به

خوبی آماده شوند.

۵. توجه به تنوع فرهنگی: در نظر گرفتن تنوع فرهنگی و زبانی در طراحی سوالات کنکور تا همه دانش‌آموزان بتوانند به راحتی با آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

۶. ایجاد فرصت‌های برابر: برگزاری آزمون‌های ورودی در زمان‌های مختلف و در مکان‌های مختلف برای دسترسی آسان‌تر به دانش‌آموزان مناطق محروم.

۷. توسعه برنامه‌های مشاوره‌ای: ایجاد شبکه‌ای از مشاوران تحصیلی در مناطق محروم که به دانش‌آموزان کمک کنند تا برنامه‌ریزی بهتری برای کنکور داشته باشند.

۸. برگزاری آزمون‌های شبیه‌سازی شده: برگزاری آزمون‌های شبیه‌سازی شده در مناطق مختلف به منظور آشنایی دانش‌آموزان با فرایند کنکور و کاهش استرس.

۹. تشویق به تحصیل در رشته‌های مورد نیاز منطقه: ایجاد مشوق‌هایی برای دانش‌آموزانی که در رشته‌های مورد نیاز مناطق خود تحصیل می‌کنند، تا به توسعه محلی کمک کنند.

۱۰. توسعه همکاری‌های بین‌المللی: جذب کمک‌های بین‌المللی برای بهبود سیستم آموزشی در مناطق محروم و استفاده از تجربیات موفق کشورهای دیگر.

۱۱. ایجاد پلتفرم‌های آنلاین آموزشی: راه‌اندازی پلتفرم‌های آنلاین برای ارائه آموزش‌های رایگان و باکیفیت به دانش‌آموزان در مناطق محروم.

۱۲. توجه به نیازهای محلی: طراحی سوالات کنکور با توجه به نیازها و مسائل محلی، تا دانش‌آموزان بتوانند با محتوای مرتبط‌تری مواجه شوند.

۱۳. برگزاری کارگاه‌های آموزشی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مناطق محروم با حضور اساتید و متخصصان برای تقویت مهارت‌های علمی و عملی دانش‌آموزان.

این ایده‌ها می‌توانند به بهبود شرایط و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان کمک کنند.

در نهایت برای بهبود بومی گزینی در پذیرش کنکور نیاز به طراحی سیاست‌هایی وجود دارد که به واقعیت‌های آموزشی و نیازهای دانش‌آموزان توجه بکند و به جای ایجاد نابرابری‌های جدید به تحقق عدالت آموزشی کمک بکند.

یادواره شهید مطهری

کتاب **آینده انقلاب اسلامی ایران**

در بخش های آزمون تستی و یادداشت دانشجویی

مهلت ثبت نام تا فروردین ۱۴۰۴

تقدیر از نفرات برتر در یادواره شهید مطهری



ثبت نام از طریق اسکن بارکد روبرو و یا
survey.porsline.ir/s/FP5FZSDI

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آیدی
@jad_lp_r در تلگرام مراجعه نمایید

فانوس مسابقه کتبخوانی



جامعه اسلامی دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران

